

[جهت پنجم: بررسی ملاک بودن صحت واقعی یا صحت نزد فاعل 1](#_Toc534900182)

[ثمره 2](#_Toc534900183)

[دلیل حمل بر صحت واقعی 2](#_Toc534900184)

[جهت ششم: بررسی تأثیر مسئله دان بودن فاعل 2](#_Toc534900185)

[صور مختلف 3](#_Toc534900186)

[بررسی حکم صور 3](#_Toc534900187)

[نظر مرحوم شیخ و عده ای دیگر 3](#_Toc534900188)

[نظر مرحوم خوئی و مرحوم امام 4](#_Toc534900189)

[دلیل 1 4](#_Toc534900190)

[مناقشه 4](#_Toc534900191)

[دلیل 2 4](#_Toc534900192)

[مناقشه 5](#_Toc534900193)

[خلاصه جلسه 5](#_Toc534900194)

**موضوع**: جهت پنجم و ششم/اصاله الصحه /تنبیهات استصحاب، تعارض با سایر اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

جلسه گذشته بحث از مدرک اصاله الصحه به معنای چهارم به پایان رسید. عرض کردیم که به اختلال نظام و سیره عقلاء می‌توان برای اثبات این اصل، استدلال نمود. حال وارد جهت پنجم از جهات اصاله الصحه می شویم.

# جهت پنجم: بررسی ملاک بودن صحت واقعی یا صحت نزد فاعل

بحث در این است که آیا عمل را باید حمل بر صحت نزد فاعل کرد یا این که بر صحیح واقعی باید حمل نمود و آثار آن را بار کرد. مشهور قول دوم را برگزیدند. ولی به مرحوم قمی نسبت داده شده است که حمل بر صحیح نزد فاعل می شود.

## ثمره

اگر ملاک صحت نزد فاعل باشد، حامل نمی‌تواند آثار صحیح واقعی را بار کند؛ مثلا اگر طلاقی صورت گرفته است، اگر حامل در صحت طلاق، حضور فیزیکی شاهد در مجلس طلاق را شرط بداند ولی فاعل قائل به آن نباشدبلکه شنيدن صيغه طلاق ازطريق تلفن را کافی بداند (اجتهادا یا تقلیدا) حامل نمی تواند آثار طلاق صحیح واقعی را بار کرده و زن را مطلقه حساب کند.

البته در خصوص بعضی از موارد، حمل بر صحیح نزد فاعل برای حامل اثر دارد:

* اگر نظر(اجتهادی یا تقلیدی)حامل با فاعل در مورد شرایط صحّت عمل یکی باشد.
* در مواردی که صحت در نظر فاعل موجب حکم به صحت واقعی شخص دیگر و ترتیب آثار آن شود، مثلا در مورد اقتداء ماموم به امام قائل به این باشیم که صحت نماز به نظر امام جماعت برای جواز اقتداء کافی است. (تنها مثالش همین است)
* در مواردی که عمل به وظیفه موجب إجزاء واقعی نسبت به فاعل شود، مثلا اگر کسی در نمازش عمل واجبی را-که ازارکان نيست- از روی حجت ترک کرد نماز او به دلیل قاعده لا تعاد، صحیح واقعی است، نه این که فقط نزد فاعل صحیح حساب شود.

## دلیل حمل بر صحت واقعی

مقتضای وجوهی که برای اصاله الصحه بیان شد این است که بر صحت واقعی حمل شود. سیره، اختلال نظام و اجماع مضمونشان این است که باید عمل دیگران را حمل بر صحت واقعی کرد.

البته اگر دلیل اصاله الصحه، تمسک به ظاهر حال و اصل عدم غفلت باشد، (به عنوان دلیل مستقل یا نکته تحقق سیره عقلاء)، صحت نزد فاعل استفاده می‌شود. لکن صحیح این است که بگوییم ظهور حال و اصل عدم غفلت، دلیل مستقل و نکته تحقق سیره نیست. (البته این به معنای آن نیست که سیره در این جا تعبدی است بلکه نکته ای غیر از ظهور حال و اصل عدم غفلت موجب آن شده است که همان مصلحت تسهیل باشد.)

پس قول مشهور صحیح است.

# جهت ششم: بررسی تأثیر مسئله دان بودن فاعل درجريان اصالة الصحة

وقتی فعلی از شخصی صادر می شود، از نظر کسی که می خواهد فعل او را حمل بر صحت کند حالات مختلفی برای فاعل تصویر می شود:

## صور مختلف

* حامل علم دارد که فاعل مسئله دان نیست؛ یعنی آن چه را که دخیل در صحت و فساد عمل است، نمی شناسد.
* حامل تردید در مسئله دان بودن فاعل دارد.
* حامل علم دارد که فاعل مسئله دان است.
* حامل علم به موافقت رای اجتهادی یا تقلیدی فاعل با او دارد.
* تردید دارد.
* علم به مخالفت دارد.
* مخالفت تباینی، مثلا در جایی که شخصی 4 فرسخ مسافت را پیمود و قرار است فردا برگردد. اگر نظر فاعل و حامل در مورد شکسته یا تمام بودن نماز او فرق کند مخالفت تباینی است. همچنین اگر این دو در وجوب جهر و اخفات نماز اختلاف کنند (و فرض این است که اخفات در موضع جهروهمينطورعکس آن-ولو ازروی جهل باشد- مجزی نیست).
* مخالفت به نحو عموم مطلق؛ مثلا در غسل ترتیبی آیا ترتیب بین چپ و راست بدن هم لازم است؟! مشهور آن را لازم می دانند ولی بسیاری از متاخرین لازم نمی دانند. این جا اختلاف در اعتبار خصوصیت زائده است و این گونه نیست که لزوما کسی که قائل به عدم اعتبار است، ترتیب را اتیان نکند. از این اختلاف، تعبیر به اختلاف به نحو عموم مطلق، می کنند.

آیا اصاله الصحه در همه این صور جاری می شود یا مختص به بعض است؟

### بررسی حکم صور

#### نظر مرحوم شیخ و عده ای دیگر

از کلام مرحوم شیخ[[1]](#footnote-1)، محقق همدانی[[2]](#footnote-2)، محقق اصفهانی و محقق عراقی[[3]](#footnote-3) استفاده می شود که در تمام این صور اصاله الصحه جاری است مگر در صورت علم به مخالفت رأی فاعل و عامل به نحو تباین. اگرچه در بعضی از کلمات به مرحوم همدانی نسبت داده شده است که ایشان حتی در این صورت هم قائل به جریان است، لکن در حاشیه رسائل همان را فرمودند که عرض کردیم ومرحوم شيخ هرچند دربعضی از صور ديگر اشکال کرده اند ولی قبول دارند که اصحاب اصالة الصحة را جاری می دانند .

#### نظر مرحوم خوئی و مرحوم امام

مرحوم خوئی و مرحوم امام موردی دیگر را به دایره عدم جریان افزودند.

مرحوم خوئی این صورت را اضافه کرده است: حامل علم دارد که فاعل جاهل به ملاک صحت و فساد عملش است. [[4]](#footnote-4)

مرحوم امام این صورت را افزوده است: حامل علم به عالم بودن فاعل به مسئله دارد و هم چنین علم به اختلاف نظرشان به نحو عموم مطلق دارد. [[5]](#footnote-5)

##### دلیل 1

دلیل اول مرحوم خوئی بر مدعای خود این است: دلیل اصاله الصحه لفظی نیست تا به اطلاق یا عموم آن تمسک کنیم، بلکه به سیره تمسک شده است، لذا باید به قدر متیقن از آن اخذ نمود و حال آن که در موضع علم به جاهل بودن فاعل، تحقق سیره مسلّم نیست.

###### مناقشه

در جریان سیره در صورت مذکور اختلاف شده است. لکن به نظر می رسد جریان سیره در این صورت جای تردید نیست؛ زیرا نکته عقلائی جریان سیره مذکور، تسهیل بر مکلفین و عدم تفتیش در امر او است و این نکته حتی در صورت علم به جهل عامل هم وجود دارد و احتمال صحت فعل انجام شده نیز وجود دارد.

##### دلیل 2

در صورت علم به جاهل بودن فاعل، ظهور حال بر صحت عمل این فاعل محقق نمی شود، و حال آن که برای حکم به صحت لازم است که ظاهر حال غیر، صحت عملش باشد.

###### مناقشه

مرحوم تبریزی(با این که با مرحوم خوئی در استثناء شدن این حالت و عدم جریان اصاله الصحه در آن موافق است، لکن) در مقام اشکال به دلیل 2 فرمودند: نمی توان ظاهر حال را ملاک قرار داد، زیرا از ادله اصاله الصحه چنین چیزی استفاده نشده است.[[6]](#footnote-6)

پس در صورت اول(علم حامل به جاهل بودن فاعل به مسئله) با توجه به این که مدرک اصاله الصحه، سیره است نه ظهور حال، می‌توان گفت که اصاله الصحه جاری است.

# خلاصه جلسه

جهت پنجم: فعل غیر حمل بر صحیح واقعی می شود نه صحیح نزد فاعل، به دلیل ظاهر ادله.

جهت ششم: بررسی نقش علم فاعل به مسئله در جریان اصل. صور مختلفی دارد. مشهور قائلند که فقط در صورت علم حامل به علم عامل و مخالفت علم این دو به نحو تباین، اصل جاری نیست. مرحوم خوئی صورت علم حامل به جهل فاعل را نیز افزودند، دلیل 1 ایشان: سیره دلیل لفظی نیست و باید به قدر متیقن از آن اخذ کرد. مناقشه: در مورد مذکور هم سیره جاری است. دلیل 2: در مورد مذکور حال غیر، ظهور در صحت ندارد. مناقشه: ظاهر حال ملاک نیست.[[7]](#footnote-7)

1. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/13056/3/355/تفصیل) [↑](#footnote-ref-1)
2. حاشیه فرائد الاصول، آقا رضا همدانی، ج 1، ص 470. «فالأقوى لزوم الحمل على الصّحيح، مع احتماله مطلقا، إلّا في صورة العلم بمخالفة اعتقاد العاقل، و عدم تصادق الاعتقادين، و امّا في هذا الفرض فقد يقوى في النظر الحمل على الصحيح باعتقاده بالنظر إلى ظاهر حاله، و اللّه العالم.» [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج4، ص80.](http://lib.eshia.ir/13053/4/80/لازمه) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص325.](http://lib.eshia.ir/13046/3/325/لیس) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص363.](http://lib.eshia.ir/86437/1/363/بناء) [↑](#footnote-ref-5)
6. [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج6، ص55.](http://lib.eshia.ir/86749/6/55/المساعده) [↑](#footnote-ref-6)
7. خلاصه جلسه از مقرر است. [↑](#footnote-ref-7)